

CRIMINOLOGY OF STOCK MARKET CRIMES AS ECONOMIC CRIMES IN IRANIAN LAW

Mohammad sadeghi, javad rajabi salman ,hasan haji tabar firoz

Date Received : 2024/2/26 Date Accepted : 92024/5

Abstract:

criminal protection of capital market is considered as a factor in the law of investment . the purpose of this protection is to maintain the rights of shareholders , maintain order in the stock exchange market and also to prevent losses . in order to achieve these purposes , it is necessary ; the criminal sanctions have been determined , proportionate to the committed behaviors and in order to achieve these objectives , it is necessary and approved . ۶ - and ۷ - grade mojazateh taaziri , which has been amended and suspended in the amendments of this year , can be considered as a deterrent and , of course , to be considered as a deterrent . on the other hand , the extent of activity in the society and the involvement of different groups of people in this economic scene and the occurrence of some harmful behaviors with a wide range has caused the conformity between criminal behavior and legal punishment has been determined . in order to compensate the defects in criminal policy of iran , it seems necessary to review the fundamental revisions of criminal behaviors and on the other hand , considering the amount of damage to individuals and economic generality , appropriate penalties should be imposed which has the power of deterrence and reconstructive .

Keywords: : Capital market, Stock exchange, Punishment fit, Economic crimes .



کیفرشناسی جرایم بورسی به عنوان جرایم اقتصادی در حقوق ایران

محمد صادقی^۱، جواد رجبی سلمان^۲، حسن حاجی تبار فیروزجانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۰

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۷

چکیده:

حمایت کیفی از بازار سرمایه به عنوان امری علی حده در حقوق مربوط به سرمایه گذاری محسوب می شود. هدف این حمایت، حفظ حقوق سهامداران، ایجاد نظم در بازار دادوستد سهام و همچنین جلوگیری از رفتارهای زیان بار است. برای رسیدن به این مقاصد لازم است؛ ضمانت-اجراهای کیفی تعیین شده، متناسب با رفتارهای ارتكابی بوده و در جهت دست یابی به این مقاصد تدوین و تصویب شده باشد. مجازات های تعزیری درجه ۶ و ۷ که در اصلاحات سال ۱۳۹۹ به اشکال مختلف مورد تعدیل و تعلیق نیز قرار گرفته است؛ نمی تواند به عنوان عاملی بازدارنده و البته اصلاح گر در مورد رفتارهای زیان آور بورسی به حساب آید. از سوی دیگر گستردگی فعالیت های بورسی در سطح جامعه و درگیر شدن گروه های مختلف مردم در این صحنه ی اقتصادی و به دنبال آن وقوع برخی رفتارهای زیان بار با گستره ی وسیع موجب شده است؛ تناسب بین رفتار مجرمانه و مجازاتهای قانونی تعیین شده؛ به شکلی آشکار مورد خدشه قرار گیرد. به نظر میرسد؛ برای جبران این نقیصه در سیاست جنایی ایران لازم است؛ بازنگری اساسی در رفتارهای مجرمانه انجام شود و از دیگر سو با در نظر گرفتن میزان خسارت وارده به اشخاص و کلیت اقتصادی، جرایم متناسبی وضع شود که قدرت بازدارندگی و خاصیت ترمیمی را داشته باشد.

واژگان کلیدی: بازار سرمایه، جرایم بورسی، تناسب مجازات، جرایم اقتصادی.

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ایت اله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. sadeghi.mohammad13070@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول). rajabi.salman@vatanmail.ir

۳- دانشیار، گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. hajitabar@yahoo.com

مقدمه

جرایم اقتصادی از جمله جرایم بورسی، دارای مصادیق مختلفی هستند؛ که در گذر زمان و در تحولات تاریخی خود، از نظر مصادیق و ماهیت، تغییراتی داشته است. حمایت کیفری از منافع اقتصادی افراد و دولت ها مبنای اصلی جرم انگاری افعال زیانبار اقتصادی بوده است. در مرحله ی بعد کیفرگزینی جرایم مربوطه، به عنوان چالشی مهم در بازدارنده بودن و جبرانی بودن آن مطرح است. شناخت و تعیین کیفرهای متناسب در جرایم بورسی می تواند؛ در جبران زیان بزه دیدگان، ایجاد امنیت اقتصادی و ثبات بازار تاثیر زیادی داشته باشد و رسالت حقوق کیفری را در این عرصه به سرانجام برساند. نقش اولیه بازارهای مالی بطور اعم و بازار سرمایه به طور اخص عبارت است از کمک به تبدیل پس اندازهای افراد و واحدهای تجاری به سرمایه گذاری که توسط واحدهای اقتصادی دیگر صورت می گیرد

نهادهای بازار سرمایه شامل

۱- نهاد های خود تنظیم گر مانند: بورس های اوراق بهادار، بورس کالا، موسسات سپرده گذاری و نگهداری اوراق بهادار

۲- واسطه های بازار مانند شرکت های تامین سرمایه (بانک های سرمایه گذاری) کارگزاران، معامله گران، مشاوران سرمایه گذاری، بازارگردانان، شرکت های سرمایه گذاری هستند^۱

موارد فوق به عنوان اشخاص حقوقی، باید مقررات کیفری خاصی داشته باشند و در موضوع کیفرگزینی، به شیوه ای در مورد آن ها قانون گذاری صورت گیرد؛ که بتوان بیشترین نتایج ملموس از حمایت حقوق کیفری را مشاهده کرد. چنانکه برخی معتقدند: در نظام حقوقی ایران، منطق خاصی بر کیفرگذاری حاکم نیست و قوانین از کیفرهای نامتناسب اعم از نوع، میزان و ناکارآمدی از جهت تحقق اهداف مملوء هستند. کیفرهای کلیشه ای و بی قاعده نه فقط موجب عدم تأمین اهداف مجازات می شود؛ بلکه تأثیرات نامطلوب و معکوسی هم بر بزهکار می گذارند. تعیین کیفر مناسب و درجه ی بهینه ی آن که بیشترین کارایی را دارا باشد؛ امری بسیار پیچیده و نیازمند توجه به مؤلفه های بسیاری است.^۲ شاید بهتر این باشد که مسئله را با دو سوال روشن سازیم: ۱- کیفر جرایم بورسی را چگونه باید تعیین کرد؟ ۲ چه ملاک هایی برای انتخاب نوع و میزان مجازات مطلوب و بهینه در جرایم بورسی وجود دارد؟ پاسخ به این سوالات می تواند جنبه ی کیفرشناسی جرایم بورسی را مشخص سازد

هرگونه اختلال، عمل زیانبار و مجرمانه در این بازار می تواند علاوه بر زیان مادی برای شرکت ها و سرمایه گذاران، واجد آثار منفی و مضر برای اعتبار این بازار مهم تلقی گردد. به هم ریختگی ناشی از اعمال مجرمانه در بازار سرمایه، عاملی است که موجب می شود نیاز به حمایت کیفری در این بازار با توجه خاصی احساس شود. در جرم انگاری و کیفرگزینی این جرایم به نظر می رسد؛ جانب عدالت و تناسب رعایت نشده باشد. تلقی این جرایم در گروه جرایم درجه ۶ با مجازات های نقدی پایین، می تواند از بازدارندگی و جبرانی بودن جرایم این حوزه بکاهد. در این پژوهش برآنیم که با تلقی جرایم

اشتیاق، وحید (۱۳۸۵) وقف سهام شرکت ها: امکان حقوقی و ضرورت اجتماعی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۰ رتبه ۱- صص ۸۵ تا ۱۱۲ (علمی- ترویجی (وزارت علوم

توسلی زاده، توران (۱۳۹۲) پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل ۲-

باقری، محمود، نصرالهی، علی. (۱۳۹۵). کارایی اقتصادی ضمانت اجرای کیفری قانون بازار اوراق بهادار. مطالعات حقوق- خصوصی، دوره ۲، شماره ۴۶. صص ۱۸۷- ۲۰۶

مبانی تعیین مجازات متناسب در جرایم بورسی

مبانی کیفرگزینی و به طور کلی جرم انگاری را می توان در قالب سه محور اصلی جای داد. اصل ضرورت، اصل هزینه فایده و اصل اضرار؛ حال باید دید؛ در کیفرگزینی جرایم بورسی، این مبانی و اصول مورد توجه قرار گرفته است؟ یا خیر؟ به عبارت دیگر اصول جرم انگاری که در نهایت به تعیین کیفر منجر می شود، تا چه اندازه در جرایم بورسی و عملکرد قانون گذار در این حوزه موثر بوده است؟

۱-۱- اصل ضرورت جرم انگاری و کیفرگذاری در اعمال زیانبار بورسی

حمایت کیفری از سرمایه گذاران به عنوان یکی از راه های تشویق به سرمایه گذاری و ایجاد امنیت مالی می تواند در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر باید گفت: جرم انگاری در این حوزه در کنار سایر مشوق ها و تضمیناتی که حاکمیت، نسبت به موضوع تامین مالی برای بازار می تواند ارائه نماید؛ ضروری بوده و مسلماً با اعمال مجازات همراه خواهد بود. به همین جهت ناهنجاری در بازار سرمایه، همیشه تحت حمایت حقوق کیفری نیست و عمل مجرمانه تلقی نمی شود. این موضوع هر چند یکی از کاستی های حقوق کیفری تلقی شده است لکن جرایم بورسی شامل تمام تخلفات در بازار سرمایه نیست و عموماً رفتارهایی جرم انگاری می شود که دارای آثار عینی و شدید منفی بر بازار و حقوق سرمایه گذاران و شرکت های بورسی باشند.

در قانون بازار اوراق بهادار حداقل ۱۷ رفتار، دارای عنوان مجرمانه تلقی گردیده و مورد جرمانگاری قرار گرفته است^۱. مهمترین ضابطه برای تعیین جرایم بورسی از غیر آن، ذکر عناوین مجرمانه بورسی در فصل ششم این قانون است. در مواردی نیز رفتارهایی توسط قانون گذار جرم انگاری شده که مستقیماً در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار ذکر نشده است ولی در قانون مربوطه ضمانت اجرای آنها به فصل ششم این قانون احاله گردیده است.

ضرورت جرم انگاری در جرایم بورسی، به جهت آن است که این اعمال زیانبار در دسته ی جرایم اقتصادی قرار می گیرد و در ضرورت جرم انگاری آن، به دلیل لزوم حمایت کیفری از منافع اقتصادی، تردیدی وجود ندارد لذا برخی از حقوقدانان^۲ جرایم بورسی را در دسته ی جرایم اقتصادی قرار می دهند. به استناد بند ب ماده ی ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی^۳ که جرایم اقتصادی را احصاء نموده است؛ برخی دیگر معتقدند جرایم بورسی در گروه جرایم اقتصادی محسوب نمیشود؛ ولی به نظر می رسد با توجه به دو ضابطه بتوان جرایم بورسی را در گروه جرایم اقتصادی جای داد. اولاً: جرایم اقتصادی بورسی هر دو با انگیزه ی مالی ارتکاب می یابد. ثانیاً: آثار اخلال در نظم اقتصادی را به همراه دارد. به نظر نگارنده جرایم بورسی را می توان بسیار شبیه به جرایم اقتصادی دانست؛ با این تفاوت که جرایم اقتصادی دارای آثار سریع و آنی نیست ولی جرایم بورسی، دقیقاً آثار سریع دارد و موجب ایجاد زیان برای سرمایه گذاران و شرکت های ثبت شده در بورس می شود. در نهایت از منظر تعیین کیفر و مجازات می توان جرایم مذکور را دارای یک ضابطه برای تعیین کیفر قلمداد نمود. توجه به ضرورت های اقتصادی در کیفرگزینی جرایم بورسی، معیاری مهم محسوب می شود که می تواند در نوع و میزان کیفر تعیین شده موثر باشد.

جوانمردی، محمد (۱۳۹۳) نقض مقررات در ارائه اسناد و مدارک به سازمان بورس و اوراق بهادار، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۶، ص ۱۶۲-۱۲۷

جوانمردی، محمد؛ بهره مند، حمید (۱۳۹۹) مواجهه با جرایم بورسی به مثابه قسمی از جرایم اقتصادی (مقاله علمی وزارت علوم) مجله بورس اوراق بهادار، سال سیزدهم، شماره ۵۱

ماده ۱۰۹- جرایم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شوند: ... ب- جرایم اقتصادی شامل ۳- اکلاهدراری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

۲- اصل هزینه فایده در کیفرگذاری جرایم بورسی

نظام هزینه فایده، بر این فرض متکی است که چگونه می توان از جرایم بورسی جلوگیری کرد؟ مبنای این پیشگیری بر این مسئله استوار است که هزینه های انجام جرم به گونه ای افزایش یابد که مرتکب بالقوه ی این جرایم را از ارتکاب بالفعل آن بازدارد. از سوی دیگر هزینه های اعمال مجازات برای جامعه به گونه ای باشد که نسبت به فواید آن قابل توجیه باشد.

در بحث هزینه فایده باید در نظر داشت که بیشتر مرتکبان جرایم و تخلفات بورسی در علم جرم شناسی با عنوان یقه سفیدها^۱ شناخته می شوند؛ ایشان به طور معمول نه از اقشار عادی جامعه، بلکه از اشخاص حرفه ای، متخصص، دارای ضریب هوشی بالا، ذی نفوذ، دارای بنیه و پشتوانه مالی قوی، عضو هیئت مدیره بسیاری از شرکت ها و دارای رانت اطلاعاتی قوی می باشند. یا افرادی که از جهت دسترسی به اطلاعات نهانی و از نظر برخی از اعمالی که در زمره ی وظایف آنان قرار دارد؛ دارای موقعیت مناسب در بورس اوراق بهادار هستند. به عبارت دیگر عموم مجرمین جرایم بورسی شامل افرادی هستند که به نوعی خیانت در امانت می نمایند یا به عبارت بهتر، عناصر مادی و معنوی این جرم در رفتار آنان مستتر است. با این توضیح گزینش کیفر برای این دسته از افراد را لزوماً باید به شیوه ای انجام داد که بتوان بیشترین اثر بازدارندگی را با توجه به امکانات آنان، حاصل کرد و هزینه ی انجام عمل مجرمانه را افزایش داد. این گروه از افراد به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود، معمولاً هزینه ی زیادی برای ارتکاب این اعمال متحمل نمی شوند و همین موضوع به عنوان چالش اصلی در کیفرگزینی می تواند مطرح باشد.

یکی از ویژگی های خاص جرایم بورسی این است که عمده‌تاً توسط نهادهای واسط به نام کارگزاری ممکن است صورت پذیرد. اعمال مجازات های فردی، نسبت به اشخاص حقوقی مانند حبس، شلاق و غیره نه اجرائی است و نه سودمند به نظر می رسد. به همین دلیل لازم است در جنبه-های ترمیمی جبران زیان و به طور کلی اقدامات تامینی و اصلاحی، در پی جستجوی مجازات متناسب بود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دسته بندی خاصی از جرایم تعزیری و درجه بندی جدیدی از منظر میزان و نوع مجازات در ماده ۱۹ ارائه داده است و بر همین اساس نیز در مواد بعدی در خصوص آثار حاکم بر هر کدام از این درجات صحبت می نماید. مطابق با مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می توان خصوصیات برای جرایم بورسی قائل شد که بر اساس آن اصل هزینه فایده در کیفرگزینی را مورد چالش قرار می دهد.

پرتال جامع علوم انسانی

۱- White Collar Criminals

جوانمردی، مسعودی مقام، محمد اسدالله (۱۳۹۶) تأثیرپذیری جرایم بورسی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی (مقاله ۲- علمی وزارت علوم) بورس اوراق بهادار سال دهم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۳۸

۱- در گروه جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ هستند. مطابق قانون بورس اوراق بهادار ایران، مجازات سه ماه تا یکسال برای مرتکبین جرایم بورسی تعیین شده است. تنها در برخی موارد مانند مواد ۴۷، ۴۸ و ۵۰ است که مجازات به قانون ۱۳۹۲ احاله شده است و شامل تعزیر درجه ۵ می باشد. همین موضوع به عنوان یکی از انتقادات وارد بر سیاست جنایی تقنینی محسوب می شود که بر اساس آن کیفرهای متناسب برای جرایم بورسی در نظر گرفته نشده است و این در حالی است که برای جرایم مشابه از نظر میزان خسارت و زیان می توان گفت مجازات هایی شدیدتر و حتی مصادیق افسادفی-الارض در نظر گرفته شده است

۲- صدور مجازات جایگزین حبس در جرایم بورسی امکان پذیر است. با توجه به اینکه مجازات های جایگزین حبس در خصوص حبس های زیر یکسال اعمال می شود، به نظر می رسد؛ این جرایم نیز مشمول مقررات جایگزین حبس هستند. با این حال جرایم بورسی باید به گونه ای کیفرگزینی شود که بتوان بر اساس آن به عدالت کیفری نزدیک شد

۳- محکومیت به جرایم بورسی، محکومیت موثر تلقی نمی شود. منظور از محکومیت موثر کیفری مجازاتی است؛ که قانون در دادگاه کیفری برای مجرم تعیین می کند و علاوه بر محکومیت اصلی کیفری مجرم، این مجازات در سابقه او نیز ثبت خواهد شد و به عنوان سوء پیشینه در نظر گرفته می شود. منظور از مجازات های تبعی مجازات هایی است که فرد از برخی حقوق اجتماعی برای مدتی مشخص محروم خواهد شد و این مجازات ها در حکم صادره دادگاه ابلاغ یا قید نمی-شود اما در قانون موجود است و به تبعیت مجازات اصلی به وجود خواهند آمد. مجازات های واجد محکومیت کیفری در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی^۱ احصاء شده است

ماده ۲۵- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج؛

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات؛

تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدتهای فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد

قانون مجازات اسلامی احصاء شده است.

۴ - بسیاری از ارفاقات قانون مجازات اسلامی نسبت به جرایم بورسی اعمال می شود. تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و نظام نیمه آزادی در مورد جرایم بورسی درجه ۶ و ۸ اعمال می شود. با توجه به اینکه مرتکبان جرایم بورسی عموماً از یقه سفیدها، کارمندان بورس و افراد با نفوذ هستند، به نظر می رسد؛ رعایت ارفاقات در برابر این قبیل از جرایم با فلسفه ی جرم انگاری این جرایم در تقابل قرار داشته باشد. هرچند پذیرش موارد استثنائی دور از ذهن نیست ولی به عنوان یک قاعده به نظر می رسد؛ باید سخت گیری بیشتری در این جرایم صورت پذیرد جرایم بورسی ممکن است به صورت انفرادی رخ دهد و یا اینکه به شکل مشارکتی واقع شود. پیچیدگی جرایم بورسی در حالت دوم قطعاً بیشتر خواهد شد چرا که این مشارکت بیانگر آثار مالی زیانبار بیشتر، وحدت قصد بین شرکاء، وجود تبانی و تصمیمات قبلی و البته پنهان کاری حرفه ای گری است. آثار زیانبار جرایم بورسی، شدیدتر از جرایم مالی است. این جرائم بزه دیده ی خاصی ندارد و یا اینکه بزه دیدگان، شیوه ی دادخواهی مناسبی را نمی یابند و اصولاً رؤیت جرایم بورسی کمتر اتفاق می افتد و صرفاً آثار بعدی آن قابل مشاهده است در نتیجه به نوعی پنهان و مخفی می باشند.

جرایم بازار سرمایه از جمله ی جرایم یقه سفیدی محسوب می شود که البته متفاوت از جرایم شرکتی بوده و تنها در برخی از خصوصیات دارای اشتراکاتی هستند. به همین دلیل برخی جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار را از جمله جرایم شرکتی نام گذاری نموده اند.^۱ جرایم شرکتی، در اثر فعالیت اشخاص حقوقی مانند سازمان بورس اوراق بهادار و یا اشخاص حقوقی وابسته مانند کارگزاری ها، سیدگردان ها و غیره رخ می دهد و دارای مصادیق مختلفی هستند؛ که عموماً با مشارکت افراد مسئول در این نهادها انجام می پذیرد. به نظر می رسد؛ برای تعیین مسئولان این قبیل از جرایم، باید اقدام به اثبات مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی با در نظر گرفتن وظایف و اختیارات آنان نمود و همین مسئله باعث می شود برخی از مجازات های مختص اشخاص حقیقی قابل اعمال نباشد لذا قواعد انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی مطرح خواهد شد با توجه به اصل هزینه فایده، مجازات باید رویکردی سزادهی یا اصلاح گراانه داشته باشد. ارباب بزهکار یا اشخاص ناکرده بزه تنها با کیفرهایی قابل انجام است که بتواند تعادل بین هزینه ی جرم و فایده را به نفع هزینه ی جرم افزایش داده و عامل مانع در جهت ارتکاب جرم باشد. گاهی ارباب بزهکار و پیاده سازی عنصر پیشگیری، تنها با ارباب انجام نمی شود و تنها حذف بزهکار یا طرد اوست که می تواند این هدف را تحقق بخشد. کارایی نظام کیفری، زمانی ملموس خواهد بود که بتوان گفت آمار

حسین الحسینی، سید علی؛ حکیمی ها، سعید؛ گلباغی ماسوله، سید علی جبار. (۱۴۰۱). چالش های سیاست جنایی قضایی - ۱ - ایران در رویارویی با جرایم محل نظام اقتصادی کشور (با رویکردی انتقادی به شماری از آراء محاکم کیفری)، آموزه های فقه و حقوق جزاء، دوره ۱، شماره ۳.

جرایم کاهش یافته است، به نظر نمی رسد در جرایم بورسی، این هدف محقق شده باشد؛ بنابراین توجه به اصل هزینه فایده در کیفرگزینی مورد توجه نبوده و به طور کامل در تقنین وارد نشده است.

۱-۳- اصل اضرار در کیفرگزینی جرایم بورسی

جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار از جمله ی مهمترین جرائم اقتصادی شمرده می شوند لکن تعریف خاصی از جرایم اقتصادی ارائه نشده است. چرا که تعریف این جرم سبب می شود؛ مصادیق آن کاهش یافته و در نتیجه در واکنش به آن محدودیت هایی وجود داشته باشد^۱. آنچه مسلم است، جرایم بورسی، واجد زیان های مالی و حتی غیرمالی برای افراد (بزه دیدگان) و اجتماع هستند. در تحلیل ضرها و زیان های جرایم بورسی می توان به این موارد اشاره کرد

۱ - جرایم اقتصادی و بورسی غیر خشن هستند: جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه امنیت و مصادیق آن ها، در بر دارنده ی نوعی خشونت و تهاجم هستند که در جرایم اقتصادی این ویژگی قابل ملاحظه نیست. مجازات بدنی، متناسب با این جرایم نیست چراکه نه بازدارنده است و نه سودی برای بزه دیده و جامعه دارد

۲ - آثار زیانبار جرایم اقتصادی آنی نیست^۲. به نظر نگارنده، آثار جرایم بورسی و اقتصادی، در برخی موارد آنی است و در برخی موارد مستمر بوده یا با تاخیر آثار آن کشف می شود

۳ - تخدیش سلامت اقتصادی، اداری و تجاری جامعه و بازار سرمایه مهمترین اثر زیانبار جرایم بورسی است

۴ - گسترده بودن آثار زیانبار جرایم بورس و پیچیده بودن از دیگر خصوصیات این دسته از جرایم است^۳.

جرایم بورسی می تواند از چنان آثاری برخوردار باشد؛ که امنیت اقتصادی را در حوزه ی سرمایه- گذاری تضییع نماید. اخلال در نظام اقتصادی با مصادیق خاص و البته غیرحصری در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ به عنوان جرم حدی معرفی شده است. موضوع این جرایم قابل توسعه است و هدف و غایت نیز قابل تفسیر می باشد، بنابراین نمی توان دلیل متقنی ارائه داد که بر اساس آن بتوان جرایم بورسی را واجد اثر افساد فی الارض ندانست

دوانی، غلام حسین (۱۳۸۴) بورس، سهام و نحوه قیمت گذاری سهام، چاپ چهارم، تهران، نشر نخستین - ۱
زرگر، علی (۱۳۹۷). بررسی جرائم بورسی و اوراق بهادار در قانون جزایی کشور. نشریه الکترونیکی پژوهش حقوقی قانون - ۲
پاره دوره اول

ژیان، پژمان (۱۳۹۲) بررسی تحلیل ماهیت و رژیم حقوقی حاکم بر معاملات سهام در بازار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد - ۳
حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی

جرایم بورسی علاوه بر زیان و خسارت ایجاد شده برای سهامداران و شرکت های بورسی، به ساختار اقتصادی و همچنین به وضعیت کلان اقتصادی آسیب وارد می کند. این موضوع می تواند مورد توجه قانون گذار واقع شود و در قوانین آتی در راستای جرم انگاری و تعیین کیفر لحاظ شود. بیشتر جنبه های حقوق اوراق بهادار، بیان کننده ویژگی های مختلط حقوق عمومی و خصوصی هستند. برای مثال مقررات مربوط به معاملات درونی^۱ بر مبنای مختلفی توجیه میگردد. مثلاً می تواند مبنای آن ضرری باشد که از دیدگاه حقوق خصوصی بر شرکت وارد می شود یا ضرری باشد که از دیدگاه حقوق عمومی بر بازار وارد می شود^۲. بنابراین لازم است در معاملات مختلف سطح امنیت اقتصادی هدف قرار داده شده را مشخص نمود و بر این اساس اقدام به تعیین کیفر نمود و در مرحله ی پیش از آن نیز اقدام به تقنین و جرم انگاری کرد.

زیان ناشی از جرایم بورسی با توجه به وجود تعداد بی شمار سرمایه گذاران خرد در این مجموعه و با در نظر گرفتن مبالغی که مورد دادوستد قرار می گیرد به شکل کلان قابل توصیف است. برخی مبالغ که در قوانین مختلف جرایم اقتصادی دیده می شود، در این جرایم نیز کاملاً مشهود است. البته کلان بودن فقط به این جنبه منحصر نیست. جنبه ی دیگر کلان بودن آن است که رفتار فیزیکی فرد در مکان های مختلف ارتکاب بروز یابد. مانند اینکه در چندین شهر یا استان جرم رخ دهد و دیگر آنکه آثار یا عواقب جرم به اندازه ای شایع و گسترده باشد که عملاً زندگی مردم را مختل و امنیت اقتصادی را با تهدید مواجه سازد^۳.

در جرایم اقتصادی به طور کلی باید به میزان پیامدها و میزان آسیب و ضرر و زیان برای تعیین کیفر توجه نمود. لذا انواع مختلف جرایم اقتصادی، انواع مختلف مجازات ها را نیز در پی دارد. بنابراین جرایم اقتصادی با توجه به شیوه ارتکاب آن ویژگی تدرج و انعطاف پذیری را با خود به همراه دارد^۴. البته مجازات تعیین شده برای جرایم بورسی با در نظر گرفتن گستردگی زیان های ایجاد شده نمی تواند متناسب باشد، عموماً حبس های درجه ۶ و ۷ و مجازات های تبعی نه چندان بازدارنده تعیین شده است که نمی تواند خاصیت بازدارندگی یا عدالت کیفری را داشته باشد. بازار بورس و اتفاقاتی که در آن رخ می دهد، به مانند ریزش یکباره و شدید در سال ۱۳۹۹ که تا دو سال نیز ادامه-دار بود و موجب تضرر بسیاری از سرمایه گذاران تازه وارد به این بازار شد، مسئله ای است؛ دارای ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی که موجب می شود ویژگی خاصی بتوان بر این قبیل از جرایم قائل شد^۵.

معاملات درون طبقات اشخاص حقوقی ۱- Insider- trading

- ساکی مالچی، رضا (۱۳۹۵) بررسی مسوولیت مدنی ناشی از جرایم بورسی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان، -۲
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل -۳
- سلطانی فرد، حسین، مالیر، محمود، عالی پور، حسن. (۱۳۹۷). آئین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، مطالعات -۴ حقوقی، دوره ۱۰ شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۹۴
- هیچ گاه هم به صورت رسمی مشخص نشد چند درصد مردم، تا چه میزان با سرمایه گذاری در بورس متحمل ضرر -۵ شدند. تنها یک نظر سنجی نشان میدهد که از میان حدود ۲۰ درصد مردمی که در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در بورس سرمایه گذاری کرده بودند، بیش از ۷۷ درصد ضرر کرده و تنها ۸.۱ درصد از سرمایه گذاری خود سود دریافت کردند (isna.ir/xdlZgY).

وقتی از نتایج زیانبار و گسترده‌ی برخی از جرایم بورسی سخن می‌گوییم منظور ما این نیست که این نتایج جزئی از عنصر مادی این گروه از جرایم است و عدم تحقق آن‌ها به معنی عدم تحقق جرم است. به عبارتی جرایم بورسی در تحقق خود نیاز به عناصر مادی غیر از نتیجه دارد. اعمال مجرمانه صورت گرفته دارای اثر اقتصادی و مالی اگر نباشد، اثر اعتباری و روانی در جامعه و حیثیتی برای بازار سرمایه به همراه خواهد داشت و این آثار ثانویه از نظر قانون‌گذار مستتر فرض شده است. هر چند نمی‌توان تعیین جزای نقدی برای این جرایم را به عنوان مجازات، دلیلی بر مقید بودن این جرایم به حساب آورد. گرچه می‌توان به شکل مخالف نیز استدلال کرد و لزوم ورود زیان و کسب سود را به عنوان عنصر تحقق جرم در نظر گرفت ولی با این حال باید به گونه‌ای دیگر این جرایم را مورد بررسی قرار داد که متفاوت از سایر جرایم اقتصادی می‌باشد و شاید در اندیشه‌ی قانون‌گذار، حمایت از امنیت اقتصادی و حمایت کیفری از بازار سرمایه در راستای گسترش نظم و امنیت اجتماعی بیشتر مدنظر است تا حفظ حقوق سهامداران که البته اولویت دوم محسوب می‌شود. با این اوصاف جرایم بورسی لطمه به کلیت اقتصادی و حیثیت نهادهای عمومی را سبب می‌شود که مطالبه‌گری عمومی برای ورود حقوق کیفری به این حوزه را در پی خواهد داشت. چنانکه در دادنامه‌ی ۲ استدلالت شده است «تعیین جزای نقدی به صورت مضربی از سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده در مادتين ۴۶ و ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار (آن‌هم به نحو تخییری) با توجه به عدم امکان محاسبه‌ی سود یا زیان مادی مستقیم و قطعی در کلیه موارد ناظر به فروضی است که امکان احتساب رقم مزبور فراهم باشد.» (نظیر بزه معامله متکی بر اطلاعات نهانی) و این نحو از تعیین مجازات، کمترین دلالتی بر مقید بودن جرم به تحصیل سود یا دفع ضرر ندارد.

جرایم بورسی به گونه‌ای هستند که با در نظر گرفتن اقتصادی بودن آن‌ها این امکان وجود دارد؛ با اصطلاح عام «فساد» مرتبط باشند. این واژه در مقام صفت برای برخی از جرایم عنوان شده است و همچنین به عنوان یکی از نتایج جرایم مالی و غیرمالی که نهایتاً به افساد فی الارض ختم می‌شود در نظر گرفته می‌شود. فساد عادتاً یک جرم اقتصادی محسوب نمی‌شود و اساساً تعریف این دو متفاوت است. هرچند بعضی از مصادیق آن‌ها با یکدیگر هم پوشانی دارند اما وجود ارتباط نزدیک بین این دو باعث شده تا در کنوانسیون‌های بین‌المللی، همواره ارتباط شوم آنها مدنظر قرار گیرد و در جهت مبارزه، راه حل‌هایی ارائه شود.

وجود ارتباط مانع از آن نیست که مرز علمی و عینی این دو پدیده نادیده گرفته شود. چه بسا جرم اقتصادی ناشی از فساد نباشد و فسادی در مسیر جرم اقتصادی کشف نشود^۱. به همین دلیل لازم است ارتباط جرایم بورسی با عناوین کلی در قانون مجازات نیز مشخص شود. این موضوع از چند جهت مفید است اول اینکه در تعیین برخی کیفرها در نظر گرفته می شود. دوم در خصوص آیین دادرسی و مراجع صالح به رسیدگی می توان تعیین تکلیف نمود و سوم برخی از احکام خاص که مرتبط با جرایم افساد است یا قابل تسری به آنان نیست؛ می تواند در این زمینه مورد استناد قرار گیرد. به هر حال اینکه مفهوم جرایم بورسی در قالب جرایم مالی یا جرایم ضد اموال و در شکل جزئی تر آن در گروه جرایم اقتصادی قرار می گیرد یا خیر؟ موضوعی است بسیار مهم! چرا که سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی با نواقص زیادی همراه است. بخصوص در حوزه ی پیشگیری و آیین دادرسی، به همین دلیل لازم است؛ مصادیق مرتبط و جایگاه آن مشخص شود البته در کیفرگزینی جرایم بورسی، توجه به اصول دیگر مانند اصل کاربرد کمینه کیفر، اصل تناسب و اصل اعتدال^۲ نقش مهمی دارد که از توضیح این اصول به جهت عمومیت داشتن در تمامی شیوه های کیفرگزینی اجتناب می شود.

۲- موانع و چالش های کیفرگزینی متناسب در جرایم بورسی

جرایم بورسی، خصوصیات خاصی دارند که در قیاس با انواع دیگر جرایم اقتصادی و مالی، آن ها را در دسته ی خاصی قرار می دهد و یا لاقبل به شکل کامل نمی توان آن را در گروه خاصی از جرایم، جای داد. به نظر می رسد این مسئله، خود چالشی قابل توجه و مانعی بزرگ در راستای کیفرگزینی متناسب محسوب شود.

برخی به قطع معتقدند؛ جرائم بازار بورس از جمله ی جرائم اقتصادی می باشند. مطابق با نظر این گروه باید گفت: جرم اقتصادی لزوماً ویژگی اقتصادی ندارد بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی دارد^۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرفی، الهام الدین (۱۳۸۸) بررسی تطبیقی جنبه های حقوقی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات - ۱ - محرمانه، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۶
حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان. (۱۳۹۶). «عمومی شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت شناسی تا پاسخ دهی در - ۲ - پارادایم عدالت ترمیمی»، دانشنامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقاله های همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان
حاجی ده آبادی، محمدعلیو سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفر گذاری هدفمند. فصلنامه - ۳ - پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره (۲۹)، صص ۱۰۱-۱۳۴

این جرایم به این دلیل اقتصادی محسوب می شود که موجب زیان عموم مردم می شود و این عموم مردم غالباً درگیر نظام اقتصادی هستند و هر گونه عمل زیانبار، موجب تضرر همگی می شود. حال وظیفه ی دولت است که از بابت این زیان جمعی ایجاد شده اقدام به اخذ مبالغی برای جبران زیان ها نماید و به نوعی کیفری متناسب را اتخاذ کند. در این بخش، به مهمترین موانع و چالش هایی که موجب می شود، کیفرهای تعیین شده در جرایم بورسی، موثر واقع نشود، اثرگذاری اصلاحی نداشته باشد و در نهایت به اهداف کیفر به شکل کلی خود نرسد؛ اشاره خواهیم کرد

۱-۲- قابل محاسبه نبودن ضرر جرایم بورسی، مانع کیفرگزینی متناسب جرایم بورسی دارای ویژگی مسلم بودن و مستقیم بودن ضرر نیستند و اخلاص ایجاد شده در بازار، ضرری است غیرمستقیم و گاهی غیر مسلم که موجب می شود؛ مجازات های اعمال شده و همچنین برخی از قواعد و احکام اجرای آن ها متفاوت از سایر جرایم در این حوزه باشد. این تفاوت در نوع مجازات و نیز میزان آن کاملاً قابل توجیه است. گرچه به عقیده ی نگارنده، سلب اعتماد از بازار اوراق بهادار و خروج سرمایه گذاران از این بازار که نتیجه ی جرایم مذکور است؛ خود نوعی زیان مستقیم محسوب می شود. اخلاص گسترده در نظام اقتصادی نیز خود زیان مالی غیرمستقیم در دراز مدت ایجاد می کند.

کیفرگزینی در جرایم بورسی باید با استفاده از سیاست کیفری افتراقی باشد.^۱ از جمله زیان های جرایم بورسی که قابل محاسبه نیست؛ این است که این جرایم اعتماد به بازار و بورس را از بین می برد و سرمایه گذاران را نه تنها ترغیب به سرمایه گذاری نمی کند، بلکه خروج از بازار را تشدید می کند. چنانچه در تابستان سال ۱۳۹۹ این رویداد اتفاق افتاد و سیل عظیم تازه واردان به بورس و فرابورس را به خروج از بازار واداشت. در همین راستا قانون بورس و اوراق بهادار ۱۳۸۴ در بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۶ رفتارهای مربوط به حوزه معاملات اوراق بهادار را جرم انگاری کرده است. ارتکاب این جرایم که از مهمترین جرایم حوزه بازار سرمایه است، موجب ناامنی بازار و عدم اعتماد عموم به آن می گردد. حال چگونه می توان زیان ها را محاسبه و کیفری متناسب با اندیشه های کیفرشناسی تعیین نمود؟

محاسبه ی این زیان ها گرچه امکان پذیر نیست ولی مسلم است و تردیدی در جرم انگاری این رفتارها نمی توان داشت. با این وجود تعیین کیفر متناسب می تواند بیشترین اثر را بر بازدارندگی داشته باشد. لزوم تناسب جرم با مجازات، اصلی غیرقابل انکار است که هم از جنبه ی حقوق کیفری و هم جرم شناسی، مبانی مستحکمی برای آن وجود دارد

صادقی قهساره، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی فرآیند دادرسی به جرایم بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه - آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی

۲- مشخص نبودن بزه دیده جرایم بورسی مانع تعیین کیفر متناسب

برای تعیین کیفر متناسب با این جرایم لازم است؛ قربانی و بزه دیده ی این جرایم مشخص شود. قربانی این جرم بیش از هر کس و هر چیز، اعتبار بازار سرمایه و اعتماد سرمایه گذاران و نهایتاً اقتصاد یک کشور است^۱. به عنوان مثال می توان گفت از مهم ترین جرایم حوزه معاملات، دستکاری قیمت و معامله متکی بر اطلاعات نهانی است که ارتکاب آنها منجر به نقض عملکرد صحیح بورس می شود^۲. این اثر نسبت به شخص خاصی قابل تعریف نیست و همین موضوع، تعیین مجازات و شدت آن را با اشکال مواجه می سازد. بنابراین تعیین کیفر تنها به صورت جریمه ی نقدی یا کیفر حبس با درجه ی ۶ و ۷ نمی تواند پاسخگوی بزه دیدگی جامعه و نظام اقتصادی باشد. از سوی دیگر دقیقاً مشخص نیست کدام بخش از نظام اقتصادی زیان بیشتری دیده است؟

به عنوان مثال مقابله با شفافیت اطلاعاتی در برخی از جرایم بورسی عامل اصلی جرم انگاری محسوب می شود. چنان که بند ۲ و ۳ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار در این خصوص وضع شده است. نتایج زیانبار قابل توجهی از این جرایم ایجاد می شود که مهمترین آن خدشه به امنیت اقتصادی این بازار و اعتماد عمومی نسبت به آن می شود^۳. چگونه می شود این اختلال در امنیت اقتصادی را با پاسخ کیفری از درجه ۶ یا ۷ جبران نمود و مقابله کرد. اصولاً ابعاد امنیت اقتصادی مشخص نیست. بنابراین میزان آسیب به آن نیز قابل تعیین نمی باشد. در نهایت تعیین کیفر متناسب با آن با دشواری همراه است. پیشرفت اقتصادی یک جامعه متأثر از تغییر و تحولات سرمایه گذاری است و پس اندازها و استفاده مؤثر از سرمایه گذاری بخش خصوصی می تواند؛ باعث دستیابی به اهداف توسعه ای گردد^۴. هدف قرار دادن توسعه ی اقتصادی یک کشور و آینده ی مالی و هرگونه هدف مذکور با آن را می-توان موضوع جرایم بورسی دانست که بزه دیده ی آن قلمداد می شود، به همین سبب قانون گذار به درستی، جرایم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حاجی ده آبادی، محمدعلی سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفر گذاری هدفمند. فصلنامه ۱- پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره (۲۹)، صص ۱۰۱-۱۳۴

قاسمی، محمد (۱۳۸۹) گفتمان سیاست جنائی قانونگذار ایران در قانون بازار اوراق بهادار ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد ۲- حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

محسنی، فرید (۱۳۹۱) جرایم شرکتی از دیدگاه جرمشناختی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۷- مدیریت آموزش بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۸) آشنائی با ارکان بازار اوراق بهادار -۴

بورسی را در گروه جرایم اقتصادی جای داده است ولی در قبال تعیین مجازات متناسب و بازدارنده، این رسالت را به طور کامل به اتمام نرسانده است. تعیین بزه دیده از این نظر اهمیت دارد که قدرت تعیین نوع خسارت و حتی پاسخ دهی به بزهکار به وی داده می‌شود. در اصول کیفرگزینی و مبانی جرم شناسی مرتبط با آن معیارهای مشخصی برای تعیین کیفر متناسب در این حوزه وجود ندارد. به نحوی که می‌توان گفت تعیین مجازات توسط قانون گذار، صرفاً بر اساس قیاس این رفتارهای زیان بار با دیگر اعمال مجرمانه ی قبلی صورت می‌گیرد و هیچ مبنای علمی و جرم شناسی ندارد. کیفرگذاری با توجه به موقعیت و نقش بزه دیده ارتباطی عمیق با دست یابی به اهداف مجازات ها دارد.

۲-۳- جرایم بورسی از نظر ماهیت در قالب گروه خاصی از جرایم قرار نمی‌گیرد قانون مجازات اسلامی به صورت مستقیم نامی از جرایم بورس و فرابورس نبرده و اشاره ای هم به قانون بورس و اوراق بهادار ۱۳۸۴ به عنوان مرجع جرایم مذکور نکرده است و در دسته بندی های قانون مجازات به شکل مستقیم نمی‌توان سراغی از جرایم مذکور گرفت. از سوی دیگر، آثار جرایم بورسی، تنها محدود به نتایج اقتصادی و مالی نبوده و گاهی می‌تواند اثر امنیتی نیز به همراه داشته باشد. این نتایج منجر به آن خواهد شد که دسته بندی جرایم بورسی مشخص نباشد. در نتیجه معیار قابل اطمینانی برای این مسئله نمی‌توان جهت بدست آورد و در نهایت کیفرگزینی می‌تواند با چالش جدی همراه باشد چرا که قانون گذار بر سر دوراهی تامین اهداف اقتصادی یا امنیتی، اقدام به کیفرگزینی خواهد نمود.

با این حال می‌توان در اقتصادی بودن یا نبودن جرایم مذکور، به تحلیل هایی که از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صورت گرفته است توجه داشت. بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی در این زمینه قابل توجه است که بیان می‌کند: جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور
ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، بسیاری از جرایم خاص مانند جرایم گمرکی، جرایم کالا و ارز و جرایم مالیاتی ذکر گردیده است. لذا بر فرض حکمت قانون گذار عدم ذکر جرایم بورسی در این مقرر و جمع آن با ماده ۱۰۹ قانون مذکور به معنای اقتصادی نبودن نوع این جرایم است. به نظر

می رسد که این ماده به شکلی عمدی جرایم بورسی را خارج از این مقررات قلمداد کرده است. با این حال برخی معتقدند که ادعای مذکور خلاف است. این عده دلایل زیر را برای ادعای خویش برشمرده اند:

- ۱ - از نظر اصولی اثبات شیء مگر در مقام بیان، نفی ما عدا نکرده و در بند ب این ماده، به علت اینکه به صورت ناقص و به نوعی تمثیلی بیان گردیده است؛ به دنبال بیان همه مصادیق جرایم اقتصادی نبوده است، لذا ذکر کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، به عنوان جرایم اقتصادی در این ماده، به معنای نفی اقتصادی بودن سایر جرایم نیست. بنابراین آنچه در مواد ذکر شده آمده است؛ تمثیلی بوده و مانع اقتصادی دانستن جرایم بورسی نیست
 - ۲ - با توجه به ویژگی های اصلی جرایم بورسی از جمله میزان اهمیت و تأثیرگذاری آنها، بزه-دیدگان، آثار و تبعات اجتماعی و غیره پذیرش این جرایم به عنوان جرایم مالی و یا سایر جرایم جزء با مشکل جدی مواجه است و قابل قبول نمی باشد
- ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی از شیوه تبیین مصادیقی برای تعریف جرایم اقتصادی استفاده کرده و به جای اینکه جرایم اقتصادی را تعریف نماید؛ مصادیقی از این جرایم را در این ماده ذکر کرده است. ذکر مصادیق جرایم مختلف تحت عنوان جرم اقتصادی در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی نشان دهنده عدم دقت قانونگذار در تبیین مصادیق جرایم اقتصادی است. به عنوان نمونه در این مقرر قانونی رشاء و ارتشا، کلاهبرداری و اختلاس به عنوان جرایم اقتصادی ذکر شده است در حالیکه لزوماً این جرایم بدون وجود اهداف کلان اقتصادی نمی تواند در زمره جرایم اقتصادی شمرده شود
- در سیاست کیفری اتخاذی توسط رؤسای قوه قضائیه نیز جرایم اقتصادی محدود به موارد مذکور در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نشده است. چنانچه ریاست قوه قضائیه در بخشنامه نحوه رسیدگی به پرونده های اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۹۷/۵/۳۰) گرانفروشی کلان، احتکار عمومی ارزاق و کالاهای عمومی، تولیدات مورد نیاز عامه به منظور انحصار یا کمبود در عرضه آنها، اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی را نیز به عنوان اختلال در نظام اقتصادی کشور و نوعی جرم اقتصادی تلقی نموده است. دادستان تهران نیز به موجب ماده ۱۶ دستورالعمل شرح وظایف و حل اختلاف پرونده ها در نواحی دادرسی تهران (مصوب ۱۳۹۵/۳/۱۰) دادرسی جرایم اقتصادی را مکلف به رسیدگی به جرایم مربوط به حامل های انرژی و نیز جرایم مربوط به بورس اوراق بهادار و کالا نموده است^۱. نظر موافقان اقتصادی دانستن جرایم بورسی را می توان اینگونه خلاصه نمود: طریق وضع ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی در جهت تمثیل است و نه احصاء و حصر رفتارهای مذکور، به همین دلیل است که دادرسی اختصاصی جرایم اقتصادی در مواردی به جرایم بورسی نیز رسیدگی می کند و سیاست جنائی قضائی در راستای اقتصادی دانستن جرایم مذکور است

به نظر نگارنده جرایم بورس و فرابورس را نمی توان دقیقاً منطبق با جرایم اقتصادی دانست. چرا که این جرایم به طور قطع موجب ایجاد اختلال در نظام اقتصادی نیستند و از جمله ریسک های بازار سرمایه همین موضوعات مربوط به انتشار اشتباه اطلاعات و یا عدم شفافیت است که جزئی از ذات بازار اوراق بهادار محسوب می شود. گرچه قانون گذار این افعال و ترک افعال را جرم انگاری نموده است ولی شکل کلی معاملات به گونه ای است که در هاله ای از اطلاعات صحیح و غلط قابل اعمال است و هیچ گاه اطمینان از اطلاعات مذکور پایه و اساس تصمیم گیری نمی باشد. از سوی دیگر همیشه نیز افعال مذکور نمی تواند منجر به زیان برای سرمایه گذاران باشد چرا که تغییر شرایط که گاهی به شکلی صحیح صورت می گیرد می تواند این مسئله را خنثی نماید.

به نظر می رسد جرایم بورس و فرابورس باید به شکل افتراقی و با ملاحظه ی جرایم اقتصادی مورد رسیدگی قرار گیرد و تنها در فرآیند دادرسی و مقررات شکلی است که می توان این دسته از جرایم را در گروه جرایم اقتصادی دانست و از نظر ماهیت و تاثیری که در نظام اقتصادی برجای می گذارد؛ واجد ویژگی متفاوتی است که با در نظر گرفتن این تاثیرات می تواند در دسته ی جرایم مالی، جرایم علیه امنیت و جرایم اقتصادی باشد.

۲-۴- عدم تفکیک جرایم و تخلفات بورسی و نامشخص بودن کیفر از سایر پاسخ های اداری و انتظامی

برای تفریق جرایم بورسی از تخلفات و اعمال متخلفانه بورس و فرابورس، لازم است تعریفی از تخلفات بورسی داشته باشیم. این تعریف نه تنها وجود ندارد بلکه مصادیق آن نیز در قوانین و مقررات مرتبط با بورس بیان نشده است و صرفاً ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار و همچنین مواد ۱۷ و ۱۸ آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۶ به تعیین مراجع صالح رسیدگی کننده به تخلفات بورسی اشاره کرده است. پاسخ دهی به جرایم بورسی در مقایسه با تخلفات اداری و انتظامی در این حوزه، تفاوت چندانی در سیاست جنائی ایران ندارد. چنانچه ماهیت ضمانت اجراهای کیفری و اداری، در مواردی بسیار شبیه به یکدیگر است.

تعریف تخلفات بورسی، دقیقاً مشخص نیست؛ با این وجود مقنن در ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ هر چند در مقام ارائه تعریف از اصطلاح مزبور نبوده، اما به طور ضمنی تعریفی را بیان نموده است و بیان داشته که ناشران اوراق بهادار، نهادهای مالی، شکل های خود انتظام و نیز اشخاصی که به عنوان مدیران آنها انتخاب می شوند؛ در صورت نقض قوانین و مقررات مربوط به فعالیت هر یک از آنها متخلف محسوب می شوند.

مطابق با این ماده گفته شده؛ تخلف در بورس و فرابورس عبارت است از: نقض قوانین و مقررات مربوط به فعالیت حرفه ای اشخاص فعال در بازار سرمایه که عنوان مجرمانه بر آن صدق نکند^۱. ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اشخاص موضوع ماده ۳۵ قانون بازار مصوب ۱۳۸۷ هیئت مدیره سازمان و نیز ماده ۲ دستورالعمل موضوع ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار به صراحت اصطلاح تخلف تعریف شده است. تعریف مزبور در هر دو دستورالعمل مشابه بوده، بدین مضمون هر گونه فعل یا ترک فعلی که منجر به نقض قوانین و مقررات بازار سرمایه از قبیل قانون بازار اوراق بهادار، مصوبات شورا، سازمان بورس با تشکل های خود انتظام گردد، تخلف بورسی محسوب می شود^۲. به نظر می رسد آنچه می تواند موجب تفکیک جرایم بورس از تخلفات بورسی باشد، بحث احصای مصادیق است. افعال یا ترک افعالی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است به عنوان جرایم بورس و فرابورس در نظر گرفته می شود و سایر اعمال مخالف با مقررات بورسی که وارد در حوزه ی حقوق کیفری نشده است، به عنوان تخلف بورسی محسوب می شود و در صلاحیت مراجع داخلی سازمان قرار می گیرد و به عنوان عمل متخلفانه قابل رسیدگی بوده و ضمانت اجراهای خاص خود مانند تعلیق نماد را در پی دارد

از سوی دیگر تخلفات بورسی با دعوی مدنی نیز متفاوت است چرا که در دعوی مدنی، موضوع مطروحه در راستای جبران زیان وارده بوده و حکم یا رأی مبنی بر مجازات انضباطی تعیین نمی شود. با این حال می توان در موارد بروز تخلف، دعوی مسئولیت مدنی و جبران خسارت نیز در جهت همین ضمانت اجرای انضباطی تعیین کرد. اما باید به خاطر داشت مرجع صالح برای رسیدگی در هر مورد متفاوت خواهد بود. بنابراین جبران زیان در اعمال زیانبار بورسی، همیشه تحت حمایت کیفری قرار نمی گیرد و لزوماً کیفرهای تعیین شده، در راستای جبران خسارت های ایجاد شده تعیین نمی شود. موضوعی که به نظر می رسد باید به آن توجه کرد، این است که مرز بین اعمال زیانبار واجد جنبه ی کیفری و اعمالی که صرفاً جنبه ی حقوقی و مدنی دارد، مشخص نیست و نمی توان به شکل دقیق، کیفرگزینی یا جبران زیان را مورد حکم قرار داد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۷). حمایت کیفری از شفافیت در بازار اوراق بهادار (رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم - شناسی)، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، قم، ایران.
میرزایی منفرد، غلامعلی؛ خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴). خیانت در امانت نسبت به وجوه یا اوراق بهادار در بازار اوراق بهادار، بورس - اوراق بهادار سال هشتم پاییز شماره ۳۱.

ضمانت اجرای تخلفات بورسی^۱ عبارتست از: محرومیت از انجام معاملات حداکثر تا شصت روز کاری طبق ماده هفت دستورالعمل انضباطی کارگزاران و جریمه نقدی موضوع ماده ۲ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها! همچنین مرجع رسیدگی به تخلف می تواند مدیران نهاد مالی مربوطه را نیز به یکی از مجازات های مندرج در ماده ۱۵ دستورالعمل انضباطی کارگزاران و جریمه نقدی طبق ماده ۴ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها محکوم نماید.

بررسی تخلفات بورسی با در نظر گرفتن وظایف و تکالیف مسئولان بورسی و اشخاص دخیل در معاملات که ممکن است خارج از سازمان بورس بوده مانند سهامداران و شرکت های سهامی نیاز به مطالعه ی تمامی دستورالعمل ها، آیین نامه ها و البته بخشنامه هایی دارد؛ که به فراخور اوضاع و شرایط مختلف صادر می شود و می تواند واجد تکالیفی برای اشخاص مذکور باشد به همین دلیل لازم است تمامی این مقررات مورد مطالعه قرار گیرد لکن از حوصله ی بحث خارج است و با در نظر گرفتن تفاوت این اعمال با رفتارهای مجرمانه، موضوع بحث حاضر نیست.

به نظر می رسد؛ در برخی از موضوعات نمی توان مرز مشخصی بین تخلف، جرم و شبه جرم در جرایم بورسی ایجاد نمود، مانند مسئله ی دستکاری در قیمت ها که می تواند در حیطه ی جرایم و حتی دیگر تخلفات جای گیرد و یا برخی اعمال زیانبار که موجب تلف و زیان مالی است، بدون اینکه عنوان خاص مجرمانه داشته باشد. به نظر می رسد برای ایجاد معیار مشخص در این زمینه باید ابتدائاً موضوع را از جنبه ی کیفری بررسی نمود و در صورت عدم مطابقت با یکی از عناوین مجرمانه می تواند مشمول تخلف انضباطی باشد. یا اینکه با قواعد مسئولیت مدنی در راستای انطباق برای جبران زیان برآمد. با این اوصاف حتی در تخلفات بورسی نیز می توان از چنان رفتارهای شدید و زیان آوری سراغ گرفت که در نهایت پاسخ کیفری متناسب را در پی داشته باشد و این یکی از نواقص قانون گذاری در این حوز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- برخی از مهمترین مصادیق تخلفات بورسی که می تواند متفاوت از جرایم دارای ضمانت اجرای کیفری باشد را می توان نسبت -۱ تخلفات کارگزاران بورس در دستورالعمل انضباطی کارگزاران مصادیق مختلفی دارد مانند:
- ۱- سفارش چینی گسترده و غیرمتناسب با عرضه و تقاضای بازار یا سفارش چینی بدون سفارش بر اساس سفارش های غیر مستند.
 - ۲- ورود سفارش خرید یا فروش با هدف القای رونق و حذف سفارش وارده پس از ورود سفارش های دیگر کارگزاران و اقدام به انجام معامله در سمت دیگر توسط یک یا چند کارگزار به صورت هماهنگ؛
 - ۳- سفارش چینی گسترده در قسمت های پایینی صف های خرید و فروش با هدف طولانی شدن صف به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگران در جهت اهدافی خاص مانند شمول در ضوابط رفع گره های معاملاتی و یا فعالیت در طرف مقابل؛
 - ۴- ورود سفارش خرید یا فروش بالاتر یا پایین تر از مظنه های خرید یا فروش جاری بازار به منظور ایجاد روندی صعودی یا نزولی در قیمت اوراق بهادار جهت بهره گیری از قیمت ایجاد شده به نفع خود یا سایرین؛
 - ۵- اختلال در فرایند قیمت گذاری ورقه بهادار یا کالا با انجام معامله در حجم کم یا قیمت های نامتعارف و یا انجام معاملات هماهنگ شده و یا معامله ای متفاوت با جریان بازار و

است که از یک سو مجازات متناسب تعیین نشده و از سوی دیگر، برخی رفتارهای ذاتاً مجرمانه را در زمره ی تخلفات بورسی قلمداد کرده است

۳- ارزیابی تناسب مجازات های جرایم بورسی

در بخش سوم به ارزیابی مجازات های تعیین شده در جرایم بورسی در قبال رفتارهای مجرمانه خواهیم پرداخت و به این موضوع اشاره خواهیم نمود که بر چه مبنایی کیفرهای تعیین شده نمی تواند متناسب باشد یا اینکه چه معیاری برای تعیین مجازات می تواند مورد استفاده قرار گیرد که اجرای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی را محقق سازد

در یک قاعده ی کلی با عنوان درونی سازی هزینه ها^۱ اعتقاد بر این است که: حقوق کیفری باید زیان های اجتماعی وارده به جامعه را در مجازات ها وارد کند و زیان هایی که رفتارهای مجرمانه به بزه دیده و مجریان قانون وارد می کند، باید از بزهکار گرفته شود^۲. اصولاً دخالت حقوق کیفری، گریزگاهی است که در آن سایر ضمانت اجراهای مدنی و غیرکیفری، ناتوان بوده اند؛ دادوستد در بورس اوراق بهادار قاعدتاً تابع نظام حقوق خصوصی بوده و قواعد آن نباید کیفری باشد. به همین سبب دخالت حقوق کیفری را باید محدود نمود. با این دیدگاه است که قانون گذار اقدام به اتخاذ ضمانت اجراهای کیفری خفیف و گاهی غیر متناسب نموده است

در نظام حقوقی ایران معیارهای مشخص برای تعیین سیاست های کیفرگذاری دیده نمی شود. به عبارت دیگر تحلیل های مختلف در ارتباط با هدفمند بودن مجازات ها، پراکنده و نامنسجم است. جرایم بورسی عمدتاً با تحلیل اقتصادی بررسی می شود که در پی بازدارندگی و فایده گرایی است؛ از سوی دیگر به دنبال حل معضل جرم و ایجاد امنیت پایدار اجتماعی نمی باشد. به همین سبب در ارزیابی تناسب کیفرهای جرایم بورسی می توان به این موارد هم اشاره کرد. از سوی دیگر تناسب کیفر با در نظر گرفتن صرف جرم محقق نمی شود، بلکه مجرم نیز در این موضوع باید مد نظر قرار گیرد در تحلیل مجازات های جرایم بورسی لازم است؛ علاوه بر توجه به نوع کیفرها، به شیوه ی جرم- انگاری نیز دقت شود، تکنیک جرم انگاری در جرایم بورسی به گونه ای است که قضات برای استنباط مجازات لزوماً باید به قوانین دیگر و یا مواد دیگر مراجعه نمایند که ممکن است در تعیین متناسب کیفری اثر منفی داشته باشد

1-Internalized Social Costs

نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹) جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل-۲

بررسی تناسب گونه های مختلف مجازات جرایم بورسی

مجازات های تعیین شده در جرایم بورسی با توجه به جرایم خاص این حوزه و همچنین با در نظر گرفتن جرایم مشترک در بورس و جرایم عمومی، قاعدتاً در دسته ی جرایم تعزیری درجه ۶ و ۸ بوده مگر موارد استثنائی که تفسیر و یافتن این موارد نیاز به تفسیر قانون داشته و به شکل مستقیم و در نصوص صریح قابل استنباط نیست. در ماده ۴۶ مجازات «حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال» تعیین شده است. مجازات مذکور برای جرایمی تعیین شده است که می تواند آثار زیانبار فراوانی بر سرمایه گذاران و همچنین بر کلیت اقتصاد داشته باشد که در بندهای ذیل ماده ۴۶ بیان شده است.^۱ در مواد دیگر نیز مجازات های یک ماه تا شش ماه حبس (ماده ۴۹)، چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا شش ماه حبس (ماده ۴۸) و سه ماه تا یک سال و شش ماه (ماده ۵۰) تعیین شده است. چنانچه مشخص است، در صورت ارتکاب جرایم بورسی، چنان آثار زیانباری ممکن است در انتظار نظام اقتصادی و منافع سرمایه داران باشد که اثرات غیرمستقیم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن قابل احصاء نباشد. به همین دلیل لازم است تجدیدنظر اساسی در محدوده و دامنه ی این مجازات ها صورت گیرد و شیوه های تفسیری موسع در این جرایم مورد استفاده قرار گیرد.

مجازات های مالی و روش های جبران زیان نیز به جهت مطلق بودن جرایم بورسی، در مواردی قابل تعیین نیست و از سوی دیگر در همه ی موارد قابل محاسبه نمیباشد، به همین خاطر نمی تواند مکمل مناسبی برای جبران نقص در کیفرگذاری محسوب شود. مطابق با سایر مواد قانونی در جرم-انگاری جرایم بورسی و همچنین با در نظر گرفتن جرایم مشترک بین بازار بورس و فرابورس و سایر جرایم اقتصادی باز هم نمی توان مجازات متناسب ارائه داد و تفسیری عادلانه از این نظام کیفرگذاری برداشت نمود. مجازات مالی به گونه ای است که از یک سو کم هزینه است در اجرا و از سوی دیگر برای دولت عایدی داشته و بار مالی بر بودجه ی عمومی تحمیل نمی کند.

البته در برخی از جرایم مشترک، مجازات های به مراتب شدید تری وضع شده است که در صورت تفسیر اعمال زیانبار بورسی در این حوزه می تواند مجازاتی به نسبت عادلانه فرض شود مانند ماده

۶۷۳

هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی -۱- از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء و انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید -

هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت های کاذب و یا - اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود

هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون اقدام به انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره نویسی به منظور عرضه عمومی اوراق - بهادار نماید

و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی^۱ در راستای جرم انگاری خیانت در امانت وضع شده است. یکی از حوزه هایی که اموال و دارایی های مالی افراد به امانت سپرده می شود، بازار اوراق بهادار است که اوراق بهادار و یا وجوه سرمایه گذاران نزد برخی نهادهای مالی از جمله شرکت های کارگزاری برای داد و ستد سپرده می شود^۲. جرایم مشترک دیگر مانند سرقت اطلاعات رایانه ای، کلاهبرداری رایانه ای که با افعال مختلف و در موضوعات گوناگون قابل انجام است، نیز از جمله جرایمی است که مجازات شدیدتری نسبت به جرایم خاص بورسی برای آن تعیین شده است.

موضوع دیگر مربوط به اجرای مجازات اشد در جرایم بورسی است، مجازات اشد در این جرایم شامل مجازات هایی است که در قبال افساد فی الارض قابل تفسیر است. اینکه آیا می توان جرایم بورسی را در این قالب جای داد و مجازات حدی برای آن بر پایه ی ماده ۲۸۶ تعیین نمود؟ یا خیر؟ بستگی به شرایطی دارد که جرم ارتکاب یافته است و نیز با در نظر گرفتن برخی از اوضاع و احوال ناشی از حوادث سیاسی و اجتماعی می تواند قابل اعمال باشد. قابل بحث بودن ماده ۲۸۶^۳ و مخالفت یا مطابقت این نهاد با اصول حقوق کیفری اسلامی موضوعی است قابل بحث که در این مجال نمی گنجد. به نظر می رسد اعمال این مجازات در جرایم بورسی غیر ممکن نباشد به جهت اینکه اخلاص ایجاد شده در نظام اقتصادی به عنوان یک معیار کلی و اساسی می تواند قابل تحقق باشد.

در برخی از مواد فصل ششم قانون بورس اوراق بهادار سه نوع مجازات برای این مرتکبان پیش بینی شده است و به قاضی این امکان را می دهد که یکی را به انتخاب خود تعیین نماید. به نظر می رسد این دیدگاه قانون گذار مطلوب و کارا باشد، زیرا با وجود طیف مختلفی از مجازات ها امکان فردی کردن مجازات برای دادگاه ها با موفقیت بیشتری روبرو خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی: هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده -۱- ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی راجع به خیانت در امانت: هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته هایی از قبیل سفته، چک، قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار دیگری با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیا نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کند به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳) حقوق کیفری اقتصادی، جرائم علیه امنیت اقتصادی، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل -۲-

ماده ۲۸۶- هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر -۳- اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونهای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

باری، رحیم؛ کارگری، نوروز؛ شاملو، باقر، قاسمی، قاسم. (۱۴۰۱). جرم انگاری اقتصادی در پرتو اقتصاد نهادگرایی. پژوهشهای -۴- حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۲۷ - ۱۵۲

۲- نبود ضمانت اجرای جبرانی برای جرایم بورسی

یکی از مهمترین ویژگی های جرایم اقتصادی، ایراد زیان به صورت فردی و کلی در اجتماع و نظام اقتصادی است که می توان گفت نیازمند سازوکار کیفری جبرانی یا به عبارت دیگر وجود ضمانت اجرای مبتنی بر جبران زیان است. جرایم بورسی عموماً موجب زیان سهامداران و نیز ایجاد بی اعتمادی در بین افراد جامعه نسبت به بازار سرمایه می گردد؛ این زیان ها باید مورد توجه قانون-گذار کیفری قرار می گرفت و در نتیجه شیوه های جبران کامل خسارت اتخاذ می شد، با این حال توجهی به این موضوع نشده و بحث جریمه ی دولتی بیشتر مورد توجه بوده است و حال اینکه متضرر اصلی در این حوزه سهامداران و عموم مردم هستند.

نگرش های ترمیمی و جبرانی، تاکید بر بازسازی زیان ها دارند. به نظر می رسد؛ اولویت دادن به عدالت ترمیمی، به معنای نادیده گرفتن عدالت کیفری نمی تواند باشد. به عبارت دیگر قانون گذار کیفری باید اولویت را برای پاسخی قائل شود که در پی ترمیم و اعاده ی وضع به حالت سابق باشد و تا حد ممکن ضمانت اجرای کیفری فاقد جبران خسارت را حذف کند.

یکی از شیوه های جبران زیان می تواند اعاده ی وضع به حالت سابق باشد؛ در تحلیل موضوع برخی این سوالات را مطرح ساخته اند که آیا معاملاتی که مبتنی بر اطلاعات نهانی شکل گرفته اند صحیح یا نافذ می باشد؟ یا مجرمانه بودن آنها باعث باطل شدن آن ها نیز شده است؟ و این امر چه تبعات و عواقبی در بازار اوراق بهادار دارد؟ با این اوصاف باید پرسید که مجرمانه بودن معاملات متکی بر اطلاعات نهانی علاوه بر مجازات کیفری دارای تبعاتی مانند ضمانت اجراهای مدنی نیز خواهد بود؟^۱ این مسئله در ضمانت اجرای کیفری پیش بینی نشده است که دلایل مختلفی میتواند داشته باشد. معاملات بازار سرمایه به جهت اینکه مبتنی بر قواعد شکلی قراردادهای معمولی نیست، از جهت ابطال نیز نمی تواند به این صورت قابل پیگیری باشد و چه بسا ابطال معامله، خود موجب زیان های بیشتری برای سهامداران و شرکت را سبب گردد.

یکی از جهات بطلان معامله، نامشروع بودن جهت آن است. اینکه جهت معاملات متکی بر اطلاعات نهانی می تواند به دلیل زیان وارده به سهامداران اصلی، نامشروع باشد، کمتر مورد تردید است؛ با این حال اعمال ضمانت اجرای بطلان یا عدم نفوذ با توجه به شرایط معاملات بورسی از نظر عرف تجاری قابل قبول به نظر نمی رسد.

در ایران ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار در مقام بیان ضمانت اجراها برای جرم معاملات متکی بر اطلاعات نهانی تنها مجازات کیفری را مد نظر داشته است و علی رغم مجرمانه بودن، باطل نبوده و

جوانمردی، محمد؛ بهره مند، حمید (۱۳۹۹) مواجهه با جرایم بورسی به مثابه قسمی از جرایم اقتصادی (مقاله علمی وزارت - علوم) مجله بورس اوراق بهادار، سال سیزدهم، شماره ۵۱

صحیح می باشند^۱. این شیوه ی قانون گذاری و عدم توجه به آثار مادی و زیان های وارده به بزه دیدگان، مطلوب نیست و هدف اصلی حقوق کیفری را که احقاق حقوق زیان دیدگان است برآورده نمی کند.

به موجب قسمت ذیل ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار، چنانچه در اثر جرائم مذکور ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد، زیان دیده می تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید. در نتیجه پیگیری کیفری جرائم توسط سازمان به عنوان شاکی، منتج به جبران خسارات زیان دیدگان ناشی از آن جرائم نخواهد شد و صرفاً ضمانت اجرای کیفری بر مرتکبان در پی خواهد داشت^۲. اصولاً اقامه این گونه دعوی به دلیل بالا بودن هزینه دادرسی و طولانی شدن فرایند رسیدگی، خواهان را با مشکلات عدیده ای رو به رو خواهد نمود^۳. از سوی دیگر خواهان این دعوی می تواند نامحدود بوده و بزه دیدگان بی شمار وجود داشته باشد که عاملی است برای عدم هماهنگی بین بزه دیدگان. چالش دیگر عبارتست از عدم تخمین یا عدم امکان محاسبه ی زیان از یک سو و ناتوانی در توزیع خسارت اخذ شده بین زیان-دیدگان معاملات بورسی به جهت ویژگی خاصی که دارند، از جنبه ی قابلیت تعیین زیان ایجاد شده با چالش و ابهام مواجه هستند. معامله سهام با استفاده از اطلاعات نهانی بعضاً جرم بدون زیان دیده نامیده می شود زیرا تعیین اینکه چه کسی از معاملات سود می برد ساده است در حالیکه تعیین زیان دیده در معاملات صورت گرفته به سختی میسر است^۴. مقررات مربوط به ممنوعیت این معاملات در جهت ایجاد اعتماد عمومی به بازار اوراق بهادار طراحی شده است^۵. دلیل این موضوع نیز آن است که در اینگونه دادوستدها، عموماً فروشنده ی سهام مشخص نیست.

با این حال در برخی از مواد قانون بورس اوراق بهادار ملاحظه می شود؛ ضمانت اجرای مدنی برای برخی از مسئولان بورس و بخصوص اشخاص حقوقی مشخص شده است که به نظر می رسد می تواند جبران این نقیصه ی قانونی را بنماید. در ماده ۴۳ بیان شده است: «ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس و ارزش یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسؤول جبران خسارات وارده به سرمایه گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از

جوانمردی، مسعودی مقام، محمد اسدالله (۱۳۹۶) تأثیرپذیری جرایم بورسی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی (مقاله ۱- علمی وزارت علوم) بورس اوراق بهادار سال دهم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۳۸

دوانی، غلام حسین (۱۳۸۴) بورس، سهام و نحوه قیمت گذاری سهام، چاپ چهارم، تهران، نشر نخستین - ۲

زرگر، علی (۱۳۹۷). بررسی جرائم بورسی و اوراق بهادار در قانون جزایی کشور. نشریه الکترونیکی پژوهش حقوقی قانون یار. ۳- دوره اول

زیان، پژمان (۱۳۹۲). بررسی تحلیل ماهیت و رژیم حقوقی حاکم بر معاملات سهام در بازار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد - ۴ حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی

ساک، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل - ۵

فعل یا ترک فعل آنها باشد، متضرر گردیده‌اند.» در این ماده به بیان مسئولان کیفری و مدنی اکتفا کرده و طرق جبران زیان باز هم ذکر نشده و به مقررات عمومی مسئولیت مدنی ارجاع داده شده است. از سوی دیگر برخی از اندیشمندان^۱ معتقدند؛ جرایم بورسی واجد مجازات متناسب و بازدارنده و ارعایی نیست و همین موضوع سبب می‌شود؛ مجرمین با ارزیابی زیان و خطر ناشی از ارتکاب جرم و سود حاصل از ارتکاب آن، اقدام به رفتارهای زیانبار نمایند به گونه‌ای که می‌توان گفت این موضوع حتی با ورود قانون مجازات اسلامی و جایگزین‌های حبس در آن بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و اثر ارعایی نخواهد داشت.

شبهه‌های جبران زیان در سیاست کیفری ایران در جرایم بورسی به گونه‌ای پیش‌بینی نشده است که بتواند زیان سهامداران را جبران نماید. جبران خسارت سهامداران موضوعی است که تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد از این نظر که تعداد زیان‌دیدگان، میزان زیان و مدت زیان برای محاسبه‌ی خسارت تاخیر تادیه‌چندان مشخص نیست. در سیاست جنایی قضایی و اجرائی اگرچه راه‌حلی پیش‌بینی شده است ولی در نهایت، جبران خسارت باز هم به مانند روز اول امکان‌پذیر نیست و این مسئله می‌تواند آسیب‌های فراوانی به همراه داشته باشد که مهمترین آن بی‌اعتمادی به بازار سرمایه و خروج منابع مالی از این عرصه است.

ضمانت اجرای کیفری حد‌اعلای ارعاب و تهدید حقوقی است. حداقلی کردن حقوق کیفری برای حمایت از بازار بورس اوراق بهادار می‌تواند با استفاده از سازوکارهای مختلفی صورت پذیرد که در وهله اول این قبیل مکانیسم‌ها الزام‌رنگ و بوی کیفری ندارند. بدین سان عمده‌ترین تمرکز برای این که بتوان روابط و مناسبات را هم از بعد حقوق بورس اوراق بهادار و هم از نگرش حقوق کیفری، ساماندهی کرد سازوکار تنظیم است.

در جرم خیانت در امانت، چنانچه اوراق بهادار متعلق به سهامدار موجود باشد، حکم به استرداد آن در ضمن حکم کیفری صادر می‌شود در غیر اینصورت در صورتی که کارگزار آن را به فروش رسانده باشد، مطالبه‌ی آن نیازمند تقدیم دادخواست است.^۳ به طور کلی جبران زیان در جرایم جدید اقتصادی در حقوق ایران چندان مترقی و تکامل یافته نیست. ثمره و فایده اقتصادی دانستن جرایم بورسی، در برخورد و رسیدگی افتراقی نسبت به این دسته از جرایم است. کشور ما در شناسایی و برخورد با جرایم

ساکی مالچی، رضا (۱۳۹۵) بررسی مسوولیت مدنی ناشی از جرایم بورسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان، دانشکده-۱ ادبیات و علوم انسانی
سلطانی فرد، حسین، مال میر، محمود، عالی پور، حسن. (۱۳۹۷). آئین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل. مطالعات-۲ حقوقی، دوره ۱۰ شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۹۴
شاه بیگی، ایمان (۱۳۹۵) تنظیم گری پاسخگو، تهران: معاونت طرح و برنامه اداره کل آموزش و پژوهش: سازمان تعزیرات-۳ حکومتی

اقتصادی به پختگی لازم نرسیده^۱ و هنوز تکلیف خود را در شناسایی، سیاستگذاری، جرم انگاری اقتصادی معلوم نکرده است.

برخی از مقررات کیفری، اداری و انضباطی نیز تنها در شرایط خاصی امکان مطالبه ی خسارت و جبران زیان را فراهم کرده اند و به بیان دیگر صرف ورود خسارت را موجبی برای زیان در نظر نگرفته اند. به عنوان نمونه دستور العمل انضباطی کارگزاران مصوب ۱۳۸۹ هیأت مدیره سازمان نیز، عدم رعایت مقررات مربوط به دریافت و پرداخت وجوه مشتریان را در ماده ی ۶ خود به عنوان تخلف انضباطی مستوجب اخطار کتبی و درج آن در پرونده دانسته است و تنها در صورت استفاده ی دارای نفع کارگزار می تواند در مراجع دادگستری اقدام به مطالبه ی خسارت نماید و در غیر اینصورت باید به هیئت داوری موضوع ماده ۳۷ ق.ب.ا. ب مراجعه نماید^۲. برای جبران این نقیصه در حمایت کیفری از افعال زیانبار بررسی به نظر می رسد که لازم باشد از قواعد مسئولیت مدنی استفاده کرد. البته در این زمینه نیز موضوع اثبات ارکان مسئولیت مدنی نیز پیش خواهد آمد که می-تواند دشوار باشد. زیان دیده لزوماً باید ورود ضرر، انتساب فعل زیانبار به مسئول و رابطه ی سببیت را اثبات نماید که با توجه به برخی محدودیت ها به نظر می-رسد که در مواقعی امکان گرفتن تمامی این زیان ها دور از ذهن خواهد بود.

از سوی دیگر برخی از زیان های وارده به جامعه و سازمان بورس و حتی سهامداران قابل جبران نیست چرا که از نوع معنوی بوده و اعتبار و اعتماد در بازار سرمایه را از بین برده است. همین موضوع باعث می شود؛ سیاست جنایی قضایی و اجرائی را ملزم به اتخاذ شیوه های عملی برای این قضیه بدانیم. بحث محاسبه ی عدم النفع و زیان های غیرمستقیم در حوزه ی بازار سهام نیز می تواند بسیار مهم باشد چرا که میزان و معیاری برای آن در نظر گرفته نشده است و به طور کلی محاسبه ی مقدار سود و زیان یک سهام در شرایطی که جرمی اتفاق افتاده است دارای راه حل عملی و اجرائی نیست یکی از شیوه های جبران خسارت، اعاده ی وضعیت به حالت سابق است. این موضوع می تواند در خصوص معاملات انجام یافته با توسل به ابزارهای مجرمانه مورد تاکید باشد. به عبارت دیگر باید پرسید در چنین شرایطی راه حل چیست؟ و چه ضمانت اجرای جبرانی می توان اعمال کرد؟ گرچه عملاً ابطال یا عدم نفوذ این قبیل معاملات در فرآیند بازار سرمایه امکان پذیر نیست ولی از جهت قاعده و توجه به ظاهر ماده ۴۳۸ قانون مدنی می تواند این رأی را مورد خدشه قرار دهد. زیرا در بعضی از این نوع

پرتال جامع علوم انسانی

شریفی، الهام الدین (۱۳۸۸) بررسی تطبیقی جنبه های حقوقی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات ۱- محرمانه، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۶

حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان. (۱۳۹۶). «عمومی شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت شناسی تا پاسخ دهی در-۲» پارادایم عدالت ترمیمی»، دانشنامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقاله های همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان

معاملات همانند معامله ی مبتنی بر دستکاری بازار، تدلیس و انجام اعمال فریبکارانه بوده که باعث اترغیب سرمایه گذار به خرید سهام شده است

بند ۲۲ ماده ی ۷ قانون بورس اوراق بهادار بیان می دارد از جمله وظایف و اختیارات هیئت مدیره ی سازمان اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه گذاران در بازار اوراق بهادار است؛ خواستار تاسیس نهادی برای جبران زیان های وارده به سرمایه گذاران و سایر زیان دیدگان است که می تواند تحت عنوان صندوق جبران خسارت یا مواردی در همین قالب باشد. در سایر مواد این قانون و البته قوانین دیگر نیز این موضوع مدنظر قرار گرفته است که جبران خسارت و زیان ها باید قاعده مند و کامل صورت گیرد. از جمله این مواد ماده ی ۱۳ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار می باشد. در این ماده بیان شده است: کارگزاران باید برای جبران خسارتی که ممکن است از عملیات آنان متوجه طرفین معامله شود به یکی از طرق ذیل تضمین کافی نزد بانک مرکزی بسپارند

الف) سپرده نقدی یا ضمانت بانکی بدون قید و شرط

ب) وثیقه غیر منقول یا سهامی که مورد قبول شورای بورس باشد

میزان تضمینی که باید سپرده شود بر حسب ضرورت هر چند مدت یک بار توسط شورای بورس تعیین خواهد شد

۳-۳- نداشتن نظام اقتصادی متناسب و جامع نگر

دیدگاه های اقتصادی و به طور کلی اصول حاکم بر حقوق اقتصادی در سیاست کیفری ایران، مبتنی بر اقتصاد دولتی با تمایل به خصوصی سازی است که در قالب هیچ کدام از دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی قرار نمی گیرد. همین موضوع باعث شده است که جرم انگاری در حوزه ی جرایم اقتصادی و بخصوص جرایم بورسی به گونه ای باشد که نتوان دیدگاهی جامع را استنباط کرد. در این زمینه دیدگاه کارایی بازار و نهادگرایی اقتصادی توصیه شده است که می تواند خط مشی بسیار مناسبی در اختیار مقنن و سیاست گذران کیفری اقتصادی قرار دهد

حقوق کیفری اقتصادی نهادگرا را می توان چنین تعریف نمود: «حقوق کیفری اقتصادی نهادگرا، شاخه ای منشعب از حقوق کیفری و تابعی از نهادهای نظام اقتصادی می باشد که بر اساس الزام کیفری حمایتی و تضمینی خود در جهت تضمین امنیت و نظم اقتصادی، تضمین نهادها و فرآیند میان آنها، تسهیل مناسبات اقتصادی، افعال و رفتارهای غیرقانونی مخل فعالیت های اقتصادی و سیاست های کیفری

مناسب با آنها (مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی) را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد^۱. شیوه ی تعیین مجازات و اجرای احکام کیفری صادره نباید محدود به موارد خاص بوده و در نتیجه بخشی نگر باشد؛ بلکه باید جامع بوده و تمامی نهادهای یک مجموعه ی اقتصادی را مورد حمایت قرار دهد. جرایم بورسی در سیاست کیفری ایران گرچه در تلاشی ناموفق سعی کرده است تمامی حمایت های کیفری را برقرار نماید ولی در این حوزه به جهت نیاز به سایر قوانین کیفری و به دلیل نیاز به توسل به اصول حقوقی نمی تواند از این خصوصیت جامع نگرى برخوردار باشد. به نظر می رسد که مبنای مختلفی از جرم انگاری که می توانست در جرایم بورسی مورد نظر قرار گیرد مانند حمایت گری یا پدرسالاری، در قانون گذاری سیاست جنایی ایران نمی توان ملاحظه کرد.

منظور از پدرسالاری حقوقی این است که دولت برای جلوگیری از آسیب رساندن افراد به خودشان، به یک رفتار وصف مجرمانه داده و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت قرار می دهد. گویا سلامتی و ایمنی شان مهمتر از آزادی شان است^۲. به نظر می رسد در قانون گذاری جرایم بورسی توجهی به این موضوع نشده است تا اساس آن مانع برخی از اقدامات زیان آور به زیان خود شوند و در جرایمی نیز که تعیین شده است می توان گفت: ضمانت اجرای تعیینی نمی تواند این مبنای جرم-انگاری را القاء نماید.

به طور کلی تحلیل اقتصادی در حقوق، کاربرد قابل توجیهی دارد چرا که تحلیل اقتصادی می-تواند بیانگر این موضوع باشد که چگونه می توان قانون را از این جنبه به گونه ای تحلیل کرد که به سود جامعه باشد و از سوی دیگر در تحلیل اقتصادی، قواعدی استنباط می شود که می تواند رفتار آینده ی انسانی را تحلیل و پیش بینی کند.

جامع نگرى در جرم انگاری و تعیین کیفر تنها به این معنی نیست که نسبت به مرتکب و بازدارندگی کیفر اقدام شود، بلکه لازم است هزینه ها و منافع عمومی اجرای کیفر نیز مورد تحلیل قرار بگیرد، مجازات هایی مانند حبس که نه تنها اثر اصلاحی ندارد بلکه هزینه هایی را بر بخش عمومی و بودجه تحمیل می کند، نمی تواند اثربخش باشد.

۳-۴- عدم موازنه ی اقتصادی در اعمال ضمانت اجراهای کیفری

ضمانت اجراهای کیفری و جبرانی که در مورد جرایم بورسی تعیین شده است را می توان به اشکال مختلف مورد بررسی و دقت قرار داد. از این حیث که لزوماً باید مورد تحلیل اقتصادی نیز قرار بگیرد

پرتال جامع علوم انسانی

صادقی قهساره، محمدرضا (۱۳۹۰) بررسی فرآیند دادرسی به جرایم بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه - ۱
آموزشی عالی شهید اشرفی اصفهانی

۲-Suber, Peter, (۱۹۹۹) paternalism, in philosophy of law:An Encyclopedia, Edit by Christopher B. Gray, Garland pub.

و بین مجازات تعیین شده و آثار زبانباری که بوجود آمده است موازنه ای منطقی برقرار باشد. در غیراینصورت نمی توان به اهداف حقوق کیفری در حمایت از بورس و حقوق سهامداران دست یافت بر اساس معیار کارایی پارتو^۱، هدف تدوین مجازات در بورس اوراق بهادار باید در جهت افزایش میزان رفاه جامعه باشد و مانع از این شود که وضعیت رفاه دیگران را به مخاطره اندازد. برای رسیدن به این امر مهم، سازماندهی ضمانت اجراها باید به گونه ای باشد که سودی برای شخص از ارتکاب جرم باقی نگذارد^۲؛ مجازات های در نظر گرفته برای مرتکبین جرایم بورسی و همچنین متخلفان از مقررات بورس اوراق بهادار را نمی توان به عنوان یک ضمانت اجرای متعادل در نظر گرفت. تبعات برخی از جرایم بورسی بسیار گسترده و حتی غیرقابل محاسبه است که شامل زیان های مادی و معنوی به اشکال مختلف خواهد شد.

توسل به حقوق کیفری وقتی ضروری است که هیچ گزینه دیگری که فاقد وصف مداخله آمیز و تعدی گرا باشد در دسترس قرار ندارد. با این وجود، وقتی مجازات آخرین گزینه قابل انتخاب باشد، محرومیت از دارایی و مالکیت، مقدم بر محرومیت از آزادی است^۳. پیشنهاد الگوی تنظیم گری پاسخگو در مواجهه با جرایم و تخلفات بورسی، در اولویت است. بدین معنا که پس از کشف تخلفات، نهاد موردنظر ابتدا نهاد تنظیم گر با مدیریت نهاد مذکور در رابطه با چرایی وقوع این تخلفات به گفتگو می نشیند و با در نظر گرفتن یک فرایند زمانی معین در رابطه با چگونگی حل تخلفات به تعامل با آن نهاد می پردازد. این تعامل ممکن است در قالب حمایت های مالی و غیرمالی از نهاد متخلف نیز شکل یابد. مهم ترین نکته توجه به این مسئله است که باور داشته باشیم حتی در سنگین ترین تخلفات و جرایم بورسی نیز پیش فرضمان باید ابتلای به سطح زیرین هرم تنظیم گری و رجوع به گفتگو، تعامل و مداخلات ترمیمی به عنوان اولین مداخله باشد^۴.

در سطح دوم مداخلات با یک رویکرد منطقی و همچنان بدون اندیشه حذف کیفر؛ باید در پی سنگین کردن کفه ترازوی زیان بر سود متخلف باشیم، یعنی متخلف منطقی مورد نظر ما در شرایطی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معیار پارتو از سوی ویلفردو پارتو ایتالیایی برای سنجش میزان رفاه ابداع شد. برابر معیار کارایی پارتو، یک قرارداد یا مقررۑ- (قانونی زمانی کارا است که وضع فردی را بهبود بخشد، بدون اینکه وضع طرف دیگر را بدتر کند). (۱۰، ۲۰۰۱ یاری، رحیم؛ کارگری، نوروز؛ شاملو، باقر، قاسمی، قاسم. (۱۴۰۱). جرم انگاری اقتصادی در پرتو اقتصاد نهادگرایی. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۲۷ - ۱۵۲

میرزایی منفرد، غلامعلی؛ خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴) خیانت در امانت نسبت به وجوه یا اوراق بهادار در بازار اوراق بهادار، بورس - اوراق بهادار سال هشتم پاییز شماره ۳۱

نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹) جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل - ۴

قرار گیرد که ادامه فعالیت های متخلفانه خود را غیرممکن و ادامه هر گونه فعالیت دیگر را بدون تعامل با نهاد تنظیم گر را به زیان اقتصادی و زیستی خود تشخیص دهد.^۱

نهایتاً در سطح سوم مداخلات نهاد تنظیم گر به این نتیجه رسیده که مراحل گذشته با شکست مواجه شده و باید از یک واکنش کیفری در برابر نهاد یا شخص متخلف استفاده کند در این صورت نیز از انواع مجازات های قابل تصور باید بسته به نوع تخلف، شدت تخلف، آثار مجازات، شخصیت متخلف و سایر عوامل مؤثر اقدام به تعیین بهترین مجازات ممکن نماید.^۲ این در حالی است که هیچ کدام از این موارد و ملاحظات در گزینش و اعمال کیفرهای جرایم بورسی مدنظر قرار نمی گیرد در پرونده های مختلف، رویه محاکم در احراز شرایط از جمله اخلال عمدۀ در نظام اقتصادی و قصد مقابله با نظام و ضربه زدن به آن یکسان نبوده و سرنوشت پرونده تا حدودی تابع سلیقه مراجع رسیدگی کننده و تأثیر فضای روانی جامعه بر دادرس بوده است. با وجود اینکه قانونگذار به منظور بازدارندگی در جرم انگاری جرم اخلال در نظام اقتصادی، شدیدترین مجازات (اعدام) را در نظر گرفته است، اما رویه قضایی ضمن اینکه باید پذیرفت در مواردی تحت تأثیر فضای رسانه ای و عوام گرایی قرار داشته تمایل چندانی در صدور حکم اعدام برای مرتکبین جرایم اقتصادی از خود نشان نداده اند.^۳ مجازات جرایم بورسی از آن جهت که بر پایه ی منفعت مادی بنا نهاده شده باید به اندازه ای باشد که بازدارنده بوده و ارعاب آور باشد. این جرم به کارآیی و شفافیت بازار سرمایه زیان می زند و ارتکاب این جرایم گاهی اوقات جرایم بسیار زیادی را وارد می کند که جامعه و سهامدارن از مهمترین قربانیان این جرایم محسوب می شوند. بخصوص که این جرایم از سوی یقه سفیدان ارتکاب می یابد. این جرایم بر جریان سرمایه گذاری در کشور اثر بسیار زیانبار دارد، لذا در نظر گرفتن مجازات های متناسب بر این دسته از جرایم از جمله ی ضروریات در این حوزه می باشد.^۴ این عدم تناسب در جرم و مجازات را در قانون کیفری خاص و قانون مجازات عام می توان بیش از آیین نامه های انضباطی ملاحظه کرد.

حقوق کیفری دارای کارکرد تکمیلی (بازدارندگی) در جرائمی که بازده اقتصادی دارند مانند جرایم بورسی است، جرائم دارای بازده اقتصادی به رفتار هایی اطلاق می شود که میل مجرمانه را برای کنارگذاشتن غیرقانونی بازار تحریک کرده، دارای تدابیر جبرانی برای خسارت های وارده است. با توجه به اینکه مرتکبین جرایم مذکور از جمله یقه سفید ها هستند، این دسته از افراد نه به دلیل نیازهای روزمره، بلکه برای زیاده خواهی و افزون طلبی مرتکب جرم می شوند. این افراد با یک ارزیابی ساده

۱. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳) حقوق کیفری اقتصادی، جرائم علیه امنیت اقتصادی، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل - ۱

نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹) جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل - ۲

ساکي مالحي، رضا (۱۳۹۵) بررسی مسوولیت مدنی ناشی از جرایم بورسی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان، - ۳
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ساکي، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل - ۴

هزینه- فایده، از این مسئله اطمینان می یابند که انجام عمل از انجام ندادن آن بهتر است و سودی که به دست می آورند، بیشتر از جبران خسارت است.^۱ بنابراین باید اثربخشی مجازاتهای تعیین شده به صورت کاملاً علمی و میدانی مطالعه شود و در جهت اصلاح منطقی این دست از قوانین کیفری اقدام کرد؛ چرا که جرایم تعیین شده و نیز مجازات های تعزیری در جرایم بورسی با اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۹ در میزان حبس و شرایط تبدیل آن ایجاد شد، بازدارندگی برای ارتکاب جرایم بورسی با عایدی قابل توجه را نخواهد داشت.

نتیجه گیری

حمایت کیفری از بازار سرمایه و حقوق سهامداران، به عنوان یک نهاد عارضی بر دادوستد سهام تلقی می شود و نمی تواند ذاتاً جزئی از این مجموعه به حساب آید چرا که روابط تجاری تابع قواعد حقوق مدنی بوده و متکی به حقوق خصوصی است. به جهت اتفاقات و رفتارهای خاصی که در بازار سرمایه رخ می دهد، زیان ها و خساراتی قابل توجه و گاهی نیز خفیف ایجاد می شود که ماهیت این رفتارها می تواند مجرمانه تلقی گردد چرا که با سوء نیت همراه است. در این راستا حقوق کیفری در قانون بورس اوراق بهادار در تلاش است با حمایت کیفری از این بازار، نظم اقتصادی را برقرار و حقوق صاحبان آن را محقق نماید. به جهت رویکرد استثنائی مداخله ی حقوق کیفری در بازار سرمایه، عموماً مجازات های تعیین شده بسیار خفیف بوده و به نظر متناسب با رفتارهای ارتكابی و میزان زیان است که با در نظر گرفتن خصوصیات خاص جرایم بورسی قابل توجیه است. جرایم بورسی دارای خصوصیات خاصی در نظام حقوقی ایران هستند؛ برخی موافق با درج این جرایم در گروه جرایم اقتصادی هستند و برخی دیگر نیز مخالفت می کنند. با این حال به نظر می رسد که جرایم بورسی اگرچه تمامی شرایط جرایم اقتصادی را ندارند؛ مانند اینکه مطلق بوده و مقید به نتیجه نیستند، ولی از نظر تأثیری که بر حقوق صاحبان اموال (سهام) و کلیت اقتصاد برجای می گذارند، می توانند جزئی از جرایم اقتصادی محسوب شوند. مطلق بودن جرایم بورسی، قابلیت ارتکاب این جرایم به صورت شرکتی و توسط اشخاص حقوقی، لطمه به کلیت اقتصاد، داشتن مجازات های خفیف نسبت به سایر جرایم اقتصادی و تقسیم شدن به دو گروه جرایم بورسی خاص و مشترک به جرایم اقتصادی از جمله ی مهمترین ویژگی های جرایم اقتصادی به شمار می رود. این خصوصیات است که لزوم تناسب بین مجازات های جرایم بورسی را با رفتارهای زیان آور این حوزه ضروری می سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باقری، محمود، نصرالهی، علی. (۱۳۹۵). کارایی اقتصادی ضمانت اجرای کیفری قانون بازار اوراق بهادار. مطالعات حقوق - ۱ خصوصاً، دوره ۲، شماره ۴۶. صص ۱۸۷ - ۲۰۶

ضرورت تناسب بین جرایم بورسی و رفتارهای ارتكابی به این دلیل است که: جرایم بورسی ضرر مستقیم و مسلم ندارند؛ جرایم بورسی بزه یده ی مشخصی ندارند. جرایم بورسی به صراحت در گروه جرایم اقتصادی قرار نگرفته است و وجه تمایز جرایم بورسی از تخلفات بورسی مشخص نیست؛ با این حال به نظر می رسد؛ تناسب بین جرایم بورسی و مجازات ها وجود نداشته باشد معیارهایی که مشخص کننده ی عدم تناسب بین جرایم بورسی و مجازات های آن ها می باشد؛ عبارتند از: نبود ضمانت اجرای جبرانی برای جرایم بورسی، عدم برخورداری از دیدگاه و نظام حقوق اقتصادی متناسب، جامع نگر و عدم موازنه ی اقتصادی در اعمال ضمانت اجرای کیفری از مهمترین مولفه هایی است؛ که اثبات می کند جرایم بورسی با کیفرهای تعیینی تناسب ندارد. مجازات-های تعزیری درجه ۶ و ۷ و نیز احاله ی برخی از کیفرها به قوانین دیگر از جمله مواردی است که مشخص می سازد، این عدم تناسب واقعی است. هر کدام از این مولفه ها در صورتی که رعایت شود، می تواند به این مسئله منتج گردد که اولاً: حقوق زیان دیده جبران شود، ثانیاً: کلیت اقتصاد و هر آنچه که مربوط به نظم اقتصادی است مورد حمایت واقع شده و تنظیم شود. ثالثاً: اصلاح مجرمین و نیز عنصر بازدارندگی به شکلی کارآمد از جهت جرم شناسی و اقتصادی، در پی مجازات های تعیین شده؛ اعمال شود.



فهرست منابع

۱. اسدی، حمید؛ مهدوی پور، اعظم؛ رضوانی سودابه (۱۳۹۸) مفهوم و جایگاه تنظیم گری اقتصادی با تأکید بر پاسخگویی به جرایم بورسی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۲، پیاپی ۵۰، صص ۴۷۳ - ۴۹۸
۲. اشتیاقی، وحید (۱۳۸۵) وقف سهام شرکت-ها: امکان حقوقی و ضرورت اجتماعی، ۲۸ صفحه -) ISC مجله پژوهش-های حقوقی، شماره ۱۰ رتبه علمی- ترویجی (وزارت علوم از ۸۵ تا ۱۱۲
۳. باقری، محمود، نصراله‌ی، علی. (۱۳۹۵). کارایی اقتصادی ضمانت اجرای‌های کیفری قانون بازار اوراق بهادار. مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲، شماره ۴۶. صص ۱۸۷ - ۲۰۶
۴. توسلی زاده، توران (۱۳۹۲) پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل
۵. جوانمردی، محمد (۱۳۹۳) نقض مقررات در ارائه اسناد و مدارک به سازمان بورس و اوراق بهادار، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۶، صص ۱۶۲-۱۲۷
۶. جوانمردی، محمد؛ بهره مند، حمید (۱۳۹۹) مواجهه با جرایم بورسی به مثابه قسمی از جرایم اقتصادی (مقاله علمی وزارت علوم) مجله بورس اوراق بهادار، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۷. جوانمردی، مسعودی مقام، محمد اسدالله (۱۳۹۶) تأثیرپذیری جرایم بورسی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی (مقاله علمی وزارت علوم) بورس اوراق بهادار سال دهم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۳۸
۸. حسین الحسینی، سید علی؛ حکیمی-ها، سعید؛ گل‌باغی ماسوله، سید علی جبار. (۱۴۰۱). چالش‌های سیاست جنایی قضایی ایران در رویارویی با جرایم محل نظام اقتصادی کشور (با رویکردی انتقادی به شماری از آراء محاکم کیفری)، آموزه های فقه و حقوق جزاء، دوره ۱، شماره ۳
۹. دوانی، غلام حسین (۱۳۸۴) بورس-، سهام و نحوه قیمت گذاری سهام، چاپ چهارم، تهران، نشر نخستین
۱۰. زرگر، علی (۱۳۹۷). بررسی جرائم بورسی و اوراق بهادار در قانون جزایی کشور. نشریه الکترونیکی پژوهش حقوقی قانون یار. دوره اول
۱۱. ژیان، پژمان (۱۳۹۲) بررسی تحلیل ماهیت و رژیم حقوقی حاکم بر معاملات سهام در بازار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی
۱۲. ساکی مالحی، رضا (۱۳۹۵) بررسی مسوولیت مدنی ناشی از جرایم بورسی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۱۳. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل
۱۴. سلطانی فرد، حسین، مالمیر، محمود، عالی پور، حسن. (۱۳۹۷). آئین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل. مطالعات حقوقی، دوره ۱۰ شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۹۴
۱۵. شاه بیگی، ایمان (۱۳۹۵) تنظیم گری پاسخگو، تهران: معاونت طرح و برنامه اداره کل آموزش و پژوهش: سازمان تعزیرات حکومتی
۱۶. شریفی، الهام الدین (۱۳۸۸) بررسی تطبیقی جنبه-های حقوقی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۶ حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان. (۱۳۹۶). «عمومی شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت‌شناسی تا پاسخ-دهی در پارادایم عدالت ترمیمی»، دانشنامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان
۱۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلیو سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفر گذاری هدفمند. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره (۲۹)، صص

۱۹. صادقی قهساره، محمدرضا (۱۳۹۰) بررسی فرآیند دادرسی به جرایم بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی عالی شهید اشرفی اصفهانی
۲۰. قاسمی، محمد (۱۳۸۹) گفتن سیاست جنائی قانونگذار ایران در قانون بازار اوراق بهادار ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران
۲۱. قربانی، مجید، باقری، عباس (۱۳۸۹) دستکاری بازار اوراق بهادار، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹
۲۲. محسنی، فرید (۱۳۹۱) جرایم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷
۲۳. محمدی، علیرضا (۱۳۸۹) بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق (بهادار با استفاده از اطلاعات نهانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۷، ۲۸۵-۳۰۲)
۲۴. مدیریت آموزش بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۸) آشنائی با ارکان بازار اوراق بهادار
۲۵. مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰) سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ نخست
۲۶. میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۷). حمایت کیفری از شفافیت در بازار اوراق بهادار (رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی)، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، قم، ایران
۲۷. میرزایی منفرد، غلامعلی؛ خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴) خیانت در امانت نسبت به وجوه یا اوراق بهادار در بازار اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار سال هشتم پاییز شماره ۳۱
۲۸. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹) جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل
۲۹. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳) حقوق کیفری اقتصادی، جرائم علیه امنیت اقتصادی، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل
۳۰. یاری، رحیم؛ کارگری، نوروز؛ شاملو، باقر، قاسمی، قاسم. (۱۴۰۱). جرم انگاری اقتصادی در پرتو اقتصاد نهادگرایی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۲۷-۱۵۲

۱. Richard A. Posner, an Economic Theory of the Criminal Law, Columbia Law Review, Vol. ۸۵, No. ۶. (Oct. ۱۹۸۵).

۲. Suber, Peter, (۱۹۹۹) paternalism, in philosophy of law: An Encyclopedia, Edit by Christopher B. Gray, Garland pub.